



The Influence of Metamaterial Factors in the World Divine Agency in the *Qur'an*

Mahdi Ekhlesi Fardad 

A third-level student of Qom theological field,
Specialized Jurisprudence Center of Al-A'imma al-Aṭhār,
Qom, Iran (mehdi.ekhlesi.fardad@gmail.com).

Abstract

Not limiting the influencing causes in the universe to natural causes and believing in supernatural factors is one of the characteristics of a God-believing person, and this determines life expectancy and facing events in a different way. The degree of belief in this idea is to the extent that, from the point of view of some, in the comparison between the effect of the natural factor and the supernatural factor, there is a possibility that the natural factor will lose its effect under the influence of a stronger factor, and this is while the effect of The spiritual and supernatural factor is certain. In this regard, the analysis of the relationship between inviolable natural laws and the influence of supernatural factors in the scope of the creation system is one of the issues that have focused the minds of religious scholars. Different ideas have been raised in this; Some have given authenticity to supernatural factors and considered the laws of the creation system to be valid. Denying supernatural causes and giving originality to material laws is another attitude. Some have also accepted the influence of supernatural factors by observing the natural laws. For this purpose, the present article has tried to validate the intellectual currents in the face of the influence of supernatural factors with a comprehensive approach to the verses of the Holy *Qur'an*. The universe will pay. The findings show that from the perspective of the Holy *Qur'an*, divine agency as a transcendental force relying on the system of causality; It is undeniable; This means that the process of influencing supernatural and spiritual causes in the creation or destruction of phenomena takes place by employing natural causes.

Keywords: Divine agency, miracle of *Qur'an*, metaphysics, material causes, nature, law of causality.

Promoting article


Received: 2/ 1/ 2023, accepted: 13/ 5/ 2023, and published: 31/ 5/ 2023, Pages: 251-278.

Publisher: Mashhad Faculty of University of Quranic Theology and Awareness.

Print ISSN: 2783-5294

Online ISSN: 2783-5308

Open access in web address: <<http://naghdeara.quran.ac.ir>>

 DOR: 20.1001.1.52942783.1402.4.1.10.0

NOTE: Latin transliteration of the bibliography is included in the final pages of this article.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



تأثیر عوامل فرامادی در نظام هستی عاملیت الهی در قرآن

مهدی اخلاصی فرداد ^{ID}

طلبه سطح سه حوزه علمیه قم، مرکز تخصصی فقه ائمه اطهار (ع)،
قم، ایران (mehdi.ekhlasi.fardad@gmail.com).

چکیده

محدود نبودن علل تأثیرگذار در عالم هستی به علل طبیعی و اعتقاد به عوامل فراطبیعی از ویژگی‌های انسان خداپاور است و همین امر امید به زندگی و مواجهه با پیشامدها را به شکل دیگری رقم می‌زند. میزان باور به این اندیشه تا بدان جا است که از نگاه برخی در مقارنه میان اثرگذاری عامل طبیعی و عامل فراطبیعی این امکان وجود دارد که عامل طبیعی تحت نفوذ عاملی قوی‌تر تأثیر خویش را از دست بدهد و این در حالی است که تأثیر عامل معنوی و فراطبیعی قطعی است. در این راستا از مسائلی که ذهن دین‌پژوهان را به خود معطوف داشته تحلیل رابطه میان قوانین طبیعی تخلف‌ناپذیر و تأثیرگذاری عوامل فراطبیعی در گستره نظام آفرینش است. اندیشه‌های متفاوتی در این میان مطرح شده است؛ برخی اصالت را به عوامل فراطبیعی داده و قوانین نظام خلقت را اعتباری پنداشته‌اند. انکار علل فراطبیعی و اصالت دادن به قوانین مادی نگرش دیگری است. برخی نیز با پاسداشت قوانین طبیعی، تأثیر عوامل فراطبیعی را توأمان پذیرفته‌اند. بدین منظور نوشتار حاضر با روش تحلیلی-اسنادی کوشیده است تا با نگرشی جامع بر آیات قرآن کریم به اعتبارسنجی جریان‌های فکری در مواجهه با اثرگذاری عوامل فرامادی در عالم هستی بپردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که از منظر قرآن کریم عاملیت الهی به عنوان نیروی فرامادی با اتکای بر نظام علیت امری انکارناپذیر است؛ بدین معنا که فرایند تأثیرگذاری اسباب فرامادی و معنوی در پیدایی یا نابودی پدیده‌ها با استخدام علل طبیعی صورت می‌پذیرد.

کلیدواژه‌ها: عاملیت الهی، اعجاز قرآن، متافیزیک، علل مادی، طبیعت، قانون علیت.

مقاله ترویجی

دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۲، پذیرش: ۱۴۰۲/۳/۱۰، نشر: ۱۴۰۲/۳/۲۷، صفحه ۲۵۱ تا ۲۷۸.

ناشر: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (دانشکده علوم قرآنی مشهد)

شاپای چاپی: ۵۲۹۴-۲۷۸۳

شاپای الکترونیکی: ۵۳۰۸-۲۷۸۳

دسترسی آزاد: پایگاه اینترنتی <<http://naghdeara.quran.ac.ir>>

DOR: 20.1001.1.52942783.1402.4.1.10.0

درآمد

از نگاه یک معتقد مذهبی عاملیت خداوند متعال در تمام ابعاد زندگی وی حضوری پررنگ دارد که تشویق به دعا برای رسیدن به مطلوب و تضمین اجابت آن نمودی از این حضور به شمار می‌رود. منظور از عاملیت الهی آن است که خداوند فاعلیت خود را در جهان، انسان و در اجسام چگونه اعمال می‌کند. از این رو هنگامی که سخن از فاعلیت خداوند در میان باشد؛ در واقع موضوع مورد بحث اصل آفرینش ابتدایی جهان توسط خداوند است؛ اما وقتی بحث بر سر عاملیت خداوند باشد لازم است بررسی شود که خداوند پس از آفرینش اولیه جهان چگونه در امور و پدیده های این جهانی دخالت می‌کند و چگونه فاعلیت خود را در این جهان اعمال می‌نماید (برزگر و دیباجی، «ملاحظات انتقادی...»، ۲۱۴). از جمله آیاتی که این حضور فعالانه خداوند متعال را در کرانه هستی و ساحت انسانی مطرح ساخته، این آیه شریفه است:

«و هر گاه بندگان من، از تو در باره من بپرسند، [بگو] من نزدیکم و دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا بخواند، اجابت می‌کنم، پس [آنان] باید فرمان مرا گردن نهند و به من ایمان آورند، باشد که راه یابند» (بقره/ ۱۸۶).

در این میان اصل علیت نیز از قواعد مورد پذیرش نظام آفرینش است که در مواجهه با تبیین عاملیت الهی می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. بنابراین ترسیم نگاهی جامع که در آن خالق هستی به عنوان عاملی آرامش بخش در زندگی انسان حضوری مستمر و لحظه ای داشته، آن هم با پاسداشت قانون علیت امری ضروری به نظر می‌رسد، چرا که در این رویکرد می‌توان پاسخگوی اموری مانند تحقق یک پدیده در فرایند استجاب دعا و یا معجزه بود.

طرح مسئله

از مسائلی که اندیشمندان و مفسران قرآن کریم را به خود مشغول داشته است و زمینه ساز بروز نحله‌های مختلف فکری شده، تبیین عاملیت الهی به عنوان عاملی فراطبیعی در جهان هستی و زندگی انسان است. وجود قطعی اموری خارق العاده و تلاش برای یافتن جواب سوالاتی از این قبیل که آیا اثر گذاری عاملی فرامادی در عالم مادی امری ممکن است؟ و یا این که آیا کنش های طبیعت همگی بر اساس علل مادی می‌بایست تجزیه و تحلیل شود؟ بر چه اساسی علت هر معلولی را تنها می‌بایست در میان علت های شناخته شده جست و جو

کرد؟ باعث شکل‌گیری اعتقادات و دیدگاه‌های متفاوت و گاه متضادی شده است. واکاوی اختلاف نظرها ریشه در آن دارد که از سوی دخالت حضرت باری تعالی برای اثرگذاری در عالم هستی و تحقق یک پدیده به عنوان عاملی فراطبیعی به حساب می‌آید و از سوی دیگر، بستر این عاملیت نیز نظام هستی و طبیعتی است که اولاً محور تغییر و تحول در آن بر مدار قوانین علی و معلولی است، مخصوصاً با نگاه انحصاری به علت‌های شناخته شده و ثانیاً با ملاحظه قانون سنخیت میان علت و معلول که تحقق هر پدیده‌ای، از رهگذر هر علتی را منتفی می‌داند.

تأمل در الگوریتم یاد شده که چگونگی تحقق گام به گام یک پدیده را در جهان هستی به تصویر می‌کشد؛ چالش‌هایی را در حوزه دینی و اعتقادی برای اندیشمندان و مفسران علوم اسلامی در مواجهه با نقش امور فراطبیعی در تحقق اشیاء به همراه داشته است؛ به طوری که اصالت دادن به امور فراطبیعی و انکار قانون علیت و نفی حاکمیت آن بر جهان هستی پاسخی است که در آثاری همچون؛ *التفسیر الکبیر* (بنگرید به: فخررازی، ۷-۹/۲۰۹ و ج ۳۱/۱۲ و ج ۱۹/۹-۱۰) می‌توان بدان دست یافت. *تفسیر القرآن و هو الهدی و الفرقان* نوشته سید احمد خان هندی را نیز می‌توان نماینده جریان‌ی دانست که با اصالت دادن به قوانین حاکم بر طبیعت و توجیه مادی وقایع بر آمده از عوامل فراطبیعی، در تلاش است تا آموزه‌های اسلامی را منطبق با علم تجربی و بشری نشان داده و از این رهگذر پاسخ‌هایی را برای سؤالات ذکر شده بیان کند (بنگرید به: خرمشاهی، *تفسیر و تفاسیر جدید*، ۶۱؛ جعفریان، *نزاع سنت و تجدد*، ۲۴۵). نگرشی جامع و همه‌جانبه به آیات و روایات گواه یک‌جانبه‌نگری آثار فوق است و نمی‌توان بر پایه آن‌ها به پاسخ درستی دست یافت. در این میان گروهی از مفسرین و نویسندگان با پذیرش عاملیت خاص الهی در بستر قوانین حاکم بر جهان آن هم با حفظ قوانین طبیعی در صدد برآمده‌اند تا راهکاری مطابق با آموزه‌های اسلامی و همسان با عالم واقع را ارائه دهند. تلاش در کتاب‌هایی همچون *المیزان و اعجاز قرآن* (بنگرید به: طباطبایی، *اعجاز قرآن*، ۱۹ به بعد) و نیز مقالاتی همانند «رابطه استجاب دعا و معجزه با نظام علیت از نظر شارحان حکمت متعالیه» اثر رأفتی و ابراهیمی، *جستارهای فلسفی* (شماره ۲۵، شهریور ۱۳۹۳، صفحه ۱۲۱-۱۴۱)؛ «تأثیر دعا بر جهان قانونمند از دیدگاه استاد مطهری و النور

استامپ» به قلم جراحی و کشفی، پژوهش‌نامه فلسفه دین (شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۵ش، صفحه ۴۷-۶۸) و نیز «تأثیر علل و عوامل فرامادی در بلاای طبیعی» به نویسندگی ترخان، قیسات (شماره ۹۶، مرداد ۱۳۹۹ش، صفحه ۳۵-۶۶) همگی در همین راستا صورت پذیرفته است. شایان ذکر است که نطقه مشترک تمامی این جریان‌های فکری، استناد به آیات قرآنی است.

با عنایت به آن چه بیان شد، به نظر می‌رسد برای یافتن راه حل مناسب در ابتدا می‌بایست اموری همچون کیفیت اداره جهان هستی توسط حضرت باری تعالی، تحقق برخی از پدیده‌ها در عالم هستی به واسطه عوامل فرامادی مانند دعا و پذیرش اصل علیت در عالم جهان طبیعت را به عنوان عوامل تأثیر گذار در نظر گرفت. سپس تمامی آراء مؤثر در این موضوع طرح و مستندات آنها را تبیین کرد. آن گاه ارزیابی هر یک از اقوال با رویکردی قرآنی صورت پذیرفته و در نهایت دیدگاهی منسجم با آیات قرآنی، آموزه‌های دینی و واقعیات خارجی ارائه کرد.

۱. اصالت نیروی فرامادی و انکار قوانین حاکم بر طبیعت

از نگاه برخی اندیشمندان اسلامی ساز و کار طبیعت عاری از هر گونه سببیت، تأثیر و تأثر واقعی بین اجزای آن می‌باشد. به دیگر سخن نظم مشهود در طبیعت و حوادث متوالی صرفاً توالی حوادث است که خداوند مستقیماً هر حادثه را می‌آفریند، نه این که طبیعت اشیاء مؤثر بوده و علیتی در کار باشد (بنگرید به: احمدی، «معجزه»، ۶۹). طبیعی است که از ره آورد چنین نگاهی تحقق یک پدیده در عالم خارج مرهون دو قضیه است که در ادامه به تبیین و تحلیل آن می‌پردازیم.

۱-۱) قراردادی بودن قوانین حاکم بر طبیعت

اشاعره و اهل حدیث را می‌توان نماینده جرایانی قلمداد کرد که قوانین علی و معلولی حاکم بر طبیعت را اصیل ندانسته و تحولات جهان هستی را بدون در نظر گرفتن چنین قوانینی تجزیه و تحلیل می‌نمایند. دلیل چنین نگرشی از سوی ایشان آن است که لازمه اعتقاد به توحید افعالی خداوند، قراردادی دانستن قانون علی-معلولی و تفسیر پیدایش پدیده‌ها با عنوان «عادة الله است (ایجی، شرح مواقف، ۳۴۱). ایشان به استناد ظواهر دسته‌ای از آیات و روایات،

به کلی سلب تأثیر از علل متوسطه نموده و اساساً منکر علیت و تأثیر برای آن‌ها شده‌اند و خدای متعالی را فاعل بی‌واسطه برای هر پدیده‌ای قلمداد کرده‌اند و معتقدند که عادت الهی بر این جاری شده که در شرایط خاصی پدیده معینی را به وجود بیاورد وگرنه اسباب و شرایط، هیچ تأثیری در پیدایش آن ندارند (مصباح یزدی، *آموزش فلسفه*، ج ۲ / ۴۴۹). مقصود آنان از «عادت» این است که پدید آمدن رویدادها و اشیا از یکدیگر، تعاقب و توالی امور، صرف عادت و خواست الهی است و بین آن‌ها هیچگونه رابطه تکوینی و علی و معلولی وجود ندارد، تا خلاف آن، با اشکال و محذور مواجه گردد؛ مثلاً عادت الهی بر این تعلق گرفته که آتش همراه سوزاندن باشد و طبق این تعریف وقوع معجزاتی مانند عدم تأثیر آتش بر حضرت ابراهیم (ع) تنها خارق عادت پیشین است که با اراده و مشیت الهی انجام می‌گیرد (بوذری نژاد، «تبیین فلسفی معجزه»، ۹۰).

۲-۱) نقض قوانین از رهگذر نیروی فرامادی

قائلین به اصیل بودن نیروی فرامادی برآنند که قوانین حاکم بر طبیعت از وضع و قرارداد الهی نشأت گرفته است به طوری که ربط و ضرورت علی و معلولی میان آن‌ها جاری نبوده و خداوند متعال به اقتضای حکمت خود می‌تواند وضع و قرارداد خود را نقض کند. بر این اساس، دیدگاه غالب متفکران غربی در اموری مانند معجزه و دعا آن است که نظم طبیعی مورد نقض قرار می‌گیرد و استثنائی است که با مداخله عامل فوق طبیعی حاصل می‌شود. به طور مثال هیوم در تعریف معجزه به صراحت بر مفهوم نقض قانون طبیعت و تخلف از آن تأکید می‌نماید، وی با این اعتقاد می‌نگارد: «معجزه تخلف از یک قانون طبیعت به وسیله اراده خاص خداوند یا به وسیله یک عامل نامرئی است» (بنگرید به: احمدی، «معجزه»، ص ۴۴). هلوی نیز با همین رویکرد، در تعریف معجزه می‌گوید:

معجزه آن است که به منظور هدایت یک انسان یا یک امت و برای پایبندی آنان به مقررات دینی، در نظام طبیعی جهان تغییری صورت گیرد، یعنی خداوند به پیامبرش اجازه می‌دهد در قانون طبیعت تغییر ایجاد کند و با خبر قبلی آن را به حال اول برگرداند (بنگرید به: میمنه، «معجزه در...»، ۱۶۴).

در این میان فخر رازی نیز از مفسرینی است که معتقد است خداوند متعال به قوانین

طبیعت التزامی ندارد. وی در اثبات مدعای خویش از آیات فراوانی (بنگرید به: نجفی، «رقیب انگاری خدا و طبیعت»، از ص ۲ به بعد) بهره می‌برد که قصه تولد حضرت یحیی برای زکریا، آن هم با وجود پیر بودن والدین، نمونه‌ای از آن به شمار می‌رود (بنگرید به: فخر رازی، *التفسیر الکبیر*، ۷-۹/۲۰۹ و ۱۲/۳۱). از همین رهگذر، برخی معتقدند که بعضی وقایع (مانند مستجاب شدن دعا یا شفا یافتن) وجود دارند که اگر خداوند مستقیماً در آن‌ها دخالت نکرده بود، یعنی جلوی نظم همیشگی علت و معلول را نمی‌گرفت یا آن را تغییر نمی‌داد، این وقایع عیناً به این نحوی که رخ داده اند، واقع نمی‌شدند. به بیان دیگر، حوادثی یافت می‌شوند که افعال مستقیم خداوند بوده و ناقض قوانین طبیعی به حساب می‌آیند (بنگرید به: ویلیام هاسکر و همکاران، *عقل و اعتقاد دینی*، ۲۸۷-۲۸۸).

در نتیجه در این نگاه، خداوند متعال به هیچ رو ملزم نیست که در چارچوب قوانین طبیعت اراده خود را اعمال کند و اگر کسی قائل باشد که برای خداوند امکان پذیر نیست که جز از طریق پدر و مادر و تأثیرات طبیعت‌ها و افلاک، حیوانی را ایجاد کند، چنین کسی، قدرت خدا را کامل و تمام نمی‌داند و به واقع قدرت او را انکار کرده است (بنگرید به: فخر رازی، *التفسیر الکبیر*، ۹/۱۹-۱۰). بر اساس آن چه بیان شد، از نگاه عده‌ای از اندیشمندان اسلامی خداوند متعال می‌تواند به عنوان عاملی فرامادی در جهان هستی دخالت نماید و قوانینی همچون علیت نیز در مواجهه با آن اعتباری نداشته و نقض می‌گردند (واژه نقض از اهمیت بسزایی در این نگره برخوردار است).

۳-۱) بررسی و نقد

دیدگاه بیان شده از جهاتی قابل مناقشه است؛ زیرا اگر چه تأثیر استقلالی و افاضه وجود مخصوص به خدای متعال است، اما نقش وسائط را در این میان نمی‌توان انکار کرد. در تبیینی از ملاصدرا آمده است:

علل متوسطه چون خودشان معلول خدای متعالی هستند، هیچ‌گونه استقلالی ندارند و اساساً افاضه وجود به معنای دقیق کلمه، مختص به خدای متعالی می‌باشد و سایر علت‌ها به منزله مجاری فیض وجود هستند که با اختلاف مراتبی که دارند، نقش وسائط را بین سرچشمه اصلی وجود و دیگر مخلوقات ایفا می‌کنند. بنابراین معنای

عبارت معروف «لا مؤثر فی الوجود الا الله»، این خواهد بود که تأثیر استقلالی و افاضه وجود مخصوص به خدای متعالی است، و این حقیقتی است که در لسان آیات و روایات به صورت منوط بودن همه چیز حتی افعال اختیاری انسان به اذن و مشیت و اراده و تقدیر و قضای الهی بیان شده است، و در واقع این امور، نشان‌دهنده مراحل مختلفی است که عقل برای استناد پدیده‌ها به ذات مقدس الهی در نظر می‌گیرد، و از یک نظر می‌توان این بیانات را از قبیل تدریج در تعلیم تلقی کرد؛ زیرا فهمیدن معنای دقیق توحید افعالی برای کسانی که ورزیدگی کافی در مسائل عقلی ندارند میسر نیست و بهترین راه تعلیم آن این است که در چند مرحله انجام گیرد» (مصباح یزدی، آموزش فلسفه، ۲/ ۴۵۰).

قرآن کریم نیز خارج شدن از روال طبیعی را امری نامقبول معرفی می‌نماید؛ شاهد بر این مدعا آن است که حضرت ابراهیم (ع) در آیه ۱۲۶ سوره بقره از خداوند می‌خواهد تا روزی را اختصاص به مؤمنین اهل مکه قرار دهد (وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَ اَرْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ) و خداوند متعال در پاسخ وی می‌فرماید: «به آن‌ها هم که ایمان نمی‌آورند چند صبحی روزی می‌دهم» (قَالَ وَ مَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَ بئسَ الْمَصِيرُ). سید محمد حسین طباطبایی در توضیح این پاسخ می‌نگارد:

از دعای حضرت ابراهیم (ع)، آنچه بر طبق جریان عادی و قانون طبیعت است، مستجاب می‌گردد و خداوند در استجاب دعایش خرق عادت نکرده و ظاهر حکم طبیعت را باطل نمی‌سازد (طباطبایی، المیزان، ترجمه موسوی همدانی، ۱/ ۲۸۲).

به نظر می‌رسد نکته کلیدی در حل مشکل اندیشه نفی قوانین علیت آن باشد که جریان امور تنها از مسیر اسباب، به معنای آن نیست که قدرت مطلقه و غیر متناهی خدا را مقید نموده و اختیار را از او سلب نماید؛ چرا که او قادر علی الاطلاق است، اما فعل خصوصیتی دارد که متوقف بر وجود اسباب است، مثلاً زید که خود فعلی از افعال خدا است، در عین حال وقتی زید می‌شود و به وجود می‌آید که از فلان پدر و مادر متولد شده باشد و در فلان زمان و مکان و در شرایطی چنین و چنان و نبودن موانعی چند موجود شده باشد و گرنه زید نیست، بلکه عمرو و یا فردی دیگر است. پس به وجود آوردن زید مشروط به همه این علل و شرایط هست، ولی

این توقف مربوط به فعل ایجاد است، نه به خدایی که فاعل ایجاد به حساب می‌آید (بنگرید به: طباطبایی، *المیزان*، ۲/ ۴۰).

۲. اصالت قوانین مادی و انکار نیروی فرامادی

به باور برخی از اندیشمندان و مفسران اسلامی می‌بایست تحولی همه جانبه در علم و دانش سنتی اسلامی صورت گیرد؛ به شکلی که با دستاوردها و رهیافت های نوین دانش غربی سازگار باشد و در یک فرآیند معین، به آشتی بین علم جدید و شریعت بینجامد (بنگرید به: خاکپور، «بررسی دیدگاه سید احمدخان هندی»، ۷۴). از جمله اهداف مهم تفسیری با این رویکرد، بر طرف کردن شبهه ناهماهنگی آموزه‌های اسلامی با دستاوردهای جدید علمی بوده است. تلاش برای تطبیق نظریات علمی با آیات قرآن کریم نیز از دیگر زمینه‌های ایجاد تفاسیر سیاسی اجتماعی و برانگیختن انگیزه‌ها در مورد پاسخگویی به این موارد محسوب می‌شود؛ چراکه بزرگترین دستاورد غرب پس از رنسانس، تحول علمی بود که چشم بسیاری را خیره ساخت. هماهنگی و تطبیق آموزه های اسلامی و قرآن کریم با دستاوردهای دانش بشری، هم پاسخ شبهات را می‌داد و هم ارزش و اهمیت دستورهای دینی و از جمله قرآن را بالا می‌برد (بنگرید به: دانشیار، *جریان‌شناسی تفاسیر*، ۳۹). محتوای این نگاه برآمده از اصولی است که بیان می‌شود.

۲-۱) اصالت قوانین حاکم بر طبیعت

داعیان تقابل علم و دین با بهره جستن از وجود تصوراتی همچون لزوم هماهنگی و تطبیق آموزه های اسلامی و قرآن با دستاوردهای دانش بشری در میان دین‌ورزان، همواره کوشیده‌اند تا نگاه دین را در تقابل با علل طبیعی پدیده‌ها جلوه دهند (بنگرید به: نجفی، «رقیب انگاری خدا و طبیعت»، ۶)؛ چنان که برخی از طرفداران این رویکرد نوشته‌اند: تشریح جهان را امروزه علم بهتر انجام می‌دهد تا دین (کیویت، *دریای ایمان*، ۴۲). مردم کم و بیش پی برده‌اند که توضیحات علمی بهتر از توضیحات اجنه و ارواح پیشین است (*همان*، ۴۹). درد و رنج که همواره در نظر آنان مجازات خدایان برای گناهان دینی به شمار رفته بود، حال معلوم می‌شود که ناشی از چیزهایی مانند انگل و باکتری است و تند و ارزان و بدون پادرمیانی دین، قابل درمان

(همان، ۱۳). امروزه ابلهانه است که برای درمان بیماری یا بهبود کشت به اقدام مذهبی چشم بدوزیم (همان، ۴۷). امروزه سموم ضد حشراتند که از کشتزارها در برابر حشره های موذی حمایت می‌کنند نه قدیس تریفون (ژاکار و لاکاریر، علم و اعتقاد، ۱۵).

از حامیان این نگاه می‌توان به احمد خان هندی و تفسیر وی با نام *تفسیر القرآن و هو الهدی و الفرقان* اشاره کرد. شیوه وی در این تفسیر آن است که بیش از هر منبعی از اندیشه‌ها و نظریات غربی الهام گرفته، غالباً به تطبیق نصوص دینی بر علم فرنگی پردازد و از این رو، در بسیاری موارد نیز به مخالفت با عقاید عامه برخاسته و به خاطر تصلب در روشنفکری و اطمینان صد در صد به درستی آرای اروپاییان کوشیده است تا مبانی دینی را با آرای مزبور سازگار کند (بنگرید به: ثبوت، *نگاهی به تفسیر... ۷۵*).

۲-۲) انکار نیروی فرامادی در عالم هستی

از نگاه مفسرانی همچون احمد خان هندی یا باید عقلگرا و عملگرا شد و حتی المقدور برای تبیین اصول و فروع شریعت از عقل و علم دلیل آورد و هر آنچه در این پیمانہ نمی‌گنجد، را یا منکر شد و یا اگر ممکن باشد؛ تأویل برد. به دیگر سخن، حقانیت اسلام فقط در گرو انطباق حقایق دین با علم است (خرمشاهی، *تفسیر و تفاسیر جدید، ۵۹*). احمد خان هندی معجزه را به عنوان نقض یا خرق قوانین طبیعت نمی‌پذیرد؛ چرا که قول، قرار و وعده عملی خداوند است که آن را چنانکه هست و رخ می‌دهد، مقرر داشته است. اگر بگوییم فلان رخداد طبیعی به نحو دیگری رخ خواهد داده، خداوند را متهم به خلف وعده کرده ایم که جایز نیست. در اندیشه این مفسر قرآن کریم معجزات نه از آن جهت که خلاف عقل است انکار می‌گردد؛ بلکه از این جهت است که قرآن وقوع حوادث یا واقعه‌هایی را که بر خلاف قوانین و نوامیس طبیعت یا جریان عادی امور و اشیاء باشند، تأیید نمی‌کند. نویسنده کتاب *تفسیر القرآن و هو الهدی و الفرقان* با همین شیوه، تأثیر دعا را نیز به آن صورت که عرف مؤمنان قایل است، رد می‌کند. قوانین طبیعت تخطی ناپذیر است و هیچ چیز نمی‌تواند آن‌ها را تغییر دهد حتی خداوند هم نمی‌تواند بر خلاف آن‌ها کاری صورت دهد (بنگرید به: خرمشاهی، *تفسیر و تفاسیر جدید، ۶۱*).

باعنایت به آن چه گذشت از منظر مفسران طبیعت‌گرا، هر اعتقادی که با علم مخالفت

کند، نمی‌تواند خود را پابرجا نگه دارد (بنگرید به: جعفریان، نزاع سنت و تجدد، ۲۴۵) و می‌بایست پدیده‌ها را در چهارچوب کنش‌های طبیعی و برآمده از قوانین علی و معلولی به تماشا نشست و از طرح‌های ماورایی در خلق پدیده‌ها اجتناب نمود.

۲-۳) نقد و بررسی

کسی که در فضای مسموم تلقی معیوب از علم تنفس می‌کند، در طبیعت جز علل و اسباب مشاهده‌پذیر مادی، نمی‌بیند و لذا قادر به فهم این نکته نیست که مبدأ حکیمی است که سرتاپای کار او حکیمانانه بوده، بساط عالم را برپا کرده و کارگردان صحنه هستی به شمار می‌رود و آنچه واقع می‌شود، همه به اذن و اراده اوست. این نگاه معیوب تجربه زده سمی، سهم و مجالی برای نیایش، دعا و نماز برای تغییر حوادث و وقوع امور طبیعی قائل نیست و همه چیز را مرهون تحقق اتفاقی و شانسی اسباب طبیعی و مادی می‌داند (جوادی آملی، «عوامل و موانع سلامت معنوی»، ۱۳۷). جهل به مقام حق و سلطنت ربوبیت، رکون و اعتماد به اسباب، رفته رفته این باور غلط را به انسان می‌دهد، که اسباب هم حقیقتاً مؤثرند و این پندار را به حدی می‌رساند که هر معلولی را مستند به علت معهود و اسباب عادی بداند. برآیند چنین دیدگاهی آن است که مسببات از اسباب خود تخلف نمی‌کنند، هر چند که اسباب در حقیقت سبب واقعی نباشند و تاثیر واقعی از آن خدای مسبب‌الاسباب باشد و اسباب تنها جنبه وساطت داشته باشند و این اعتقاد توهمی است که علم به مقام خدای سبحان آن را نمی‌پذیرد، چون با سلطنت تامه الهیه منافات دارد.... همین توهم باعث شده که خیال کنیم تخلف مسببات از اسباب عادی محال است، هر جا جسم هست سنگینی و سقوط نیز هست، هر جا حرکت هست نزدیکی به مقصد نیز هست، هر جا خوردن و نوشیدن هست، سیری و سیرابی هم هست. این در حالی است که ناموس علیت و معلولیت و به عبارتی دیگر وساطت اسباب میان خدای سبحان و میان مسببات حق است، و گریزی از آن نیست، اما این ناموس باعث نمی‌شود که ما حدوث حوادث را منحصر در صورتی بدانیم که اسبابش مهیا باشد، بلکه بحث عقلی و نظری و همچنین کتاب و سنت در عین اینکه اصل واسطگی اسباب را اثبات می‌کند، انحصار آن‌ها را انکار می‌نماید (طباطبایی، المیزان، ۲/۴۳).

علاوه بر آن چه بیان شد، باید دقت نمود که چنانچه برخی از داده‌های علمی که در ظاهر

در نزد عالمان و متخصصان مربوطه قطعی تلقی می‌شود با مسلمات دینی و عقلی ناسازگار باشد، به دلیل ابطال پذیری آن‌ها نمی‌توان در تفسیر قرآن دخالت داد، هر چند تاکنون شواهد تجربی بر نادرستی آن یافت نشده باشد. در استفاده از داده‌های علوم انسانی، دقت و وسواس بیشتری لازم است؛ زیرا اعتبار آن از علوم طبیعی کمتر است و مطالب اثبات شده و یقینی کمتری دارد (مصباح یزدی، معارف قرآن، ۱/۲). غفلت از این مطلب باعث آن شده است که برخی مفسران در بهره‌گیری از علوم تجربی و انسانی به افراط گراییده و با داشتن انگیزه‌های خوب به دلیل بی‌دقتی در سازگار کردن ره‌آوردهای علمی با مفاد آیه بر اساس قواعد فهم، قرآن دچار تفسیر به رأی و انحراف در فهم آیات شده و ناخودآگاه در برابر فرهنگ بیگانگان دچار نوعی خودباختگی شده‌اند. برای پرهیز از این گونه لغزشها باید به قواعد مسلم محاوره و ظواهر یا نصوص آیات توجه کامل داشت و از شواهد قرآنی، روایی و ادبی بهره برد (همان).

نکته دیگری که نباید از آن غافل شد آن که یکی از سنت‌های الهی این است که هرگاه مصالح اقتضا کند کاری از غیر مجرای طبیعی انجام می‌گیرد. علم یا فلسفه کجا اثبات کرده است که سنت خدا چنین است که هر پدیده طبیعی باید فقط از راه علت مادی و عادی به وجود آید؟ بنابراین اثبات معجزه و تأثیر دعاها به معنای نفی علت در پدیده واقع شده نیست، بلکه به معنای اثبات علتی و رای علت‌هایی است که عموم مردم می‌شناسند. اینکه خداوند قادر است فراتر از علل و اسباب طبیعی در هر چیزی تصرف کند، تعارض عقلی با قوانین معهود و مانوس مادی ندارد (رک: طباطبایی، المیزان، ۱/۷۳-۷۷). هیچ اشکال عقلی به وجود نمی‌آید اگر خداوند به منظور آشکار ساختن حقیقتی به طور مستقیم یا به واسطه انبیا و اولیا در نظام طبیعت دخالت و تصرف کند. هرگاه نتوانیم علتی طبیعی برای یک معلول بیابیم، یا به خاطر جهل ما در شناخت تمام علل طبیعی است و یا به این خاطر که آن معلول دارای علل فراطبیعی است و نه طبیعی؛ بنابراین فقدان علل طبیعی به معنای فقدان تمامی علتها نیست، بلکه نهایتاً بر فقدان علل مادی دلالت دارد (سبحانی، الفکر الخالد فی بیان العقائد، ۱/۲۶). به تعبیر شهید مطهری، فرق است میان نقض یک قانون و حکومت کردن یک قانون بر قانون دیگر (مطهری، مجموعه آثار، ۴/۴۶۱).

شایان ذکر است که قوانین بالادست می‌توانند قوانین پایین دست را تخصیص بزنند، هر چند

برای کسانی که با قوانین پایین دستِ طبیعی خو گرفته‌اند، امری محیرالعقول، خلاف عقل و خرد به نظر آید؛ بنابراین پذیرش اصل علیت با پذیرفتن علت‌های خاص در هر مورد و منحصر دانستن علت به علت‌های شناخته شده، متفاوت بوده و منشأ ایجاد اشتباه در مباحث خواهد بود. به دیگر سخن گرچه نظام هستی بر محور قانون علیت استوار است، اما باید توجه داشت که علت هیچ پدیده‌ای منحصر به علت‌های شناخته شده آن نیست تا در صورت عدم آن، تحقق معلول، محال باشد، بلکه ممکن است علت یا علت‌های ناشناخته دیگری برای آن معلول وجود داشته باشد و بتواند باعث پدید آمدن آن گردد. معجزات انبیای الهی و کرامات اولیای خدا که همگی از راه علل ناشناخته و نامأنوس تحقق می‌یابد، از این قبیل است (جوادی آملی، *ادب فنای مقریان*، ج ۳/ ۳۵۸). در نتیجه خداوند متعال فیض خود را در راستای نظم بیان شده از دوراه محقق می‌نماید: ۱. با علل و وسائلی که مورد عنایت پروردگار است؛ ۲. بی وساطت کسی یا چیزی که بر خلاف عادت است (نه بر خلاف علیت) یعنی خود خداوند که علت تام است و بدون دخالت علت‌های عادی، فیض ویژه خویش را به مستفیض می‌رساند. اساس علوم عقلی بر همان راه اول استوار است، گرچه راه دوم در فلسفه و کلام نفی نشده، همچنان که در دعا کاملاً مشهود است؛ بنابراین صدور یا ظهور همه اشیاء از خداست (جوادی آملی، *شرح حکمت متعالیه*، ۳۶۷/۲۲).

در نهایت به نظر می‌رسد که راه برون‌رفت از وضعیت موجود، بازنگری در نسبت علم با دین و بازگشت علوم مختلف به‌ویژه علوم تجربی رایج به جایگاه صحیح خود در منظومه علوم و ایجاد نسبت منطقی میان آن‌هاست. بدین معنا که اولاً علم باید اندازه خود را بشناسد و درصدد ارائه جهانبینی برنیاید، بلکه باید منابع معرفتی دیگر یعنی وحی و به تبع آن نقل معتبر و عقل تجربیدی (فلسفه)، عهده‌دار ارائه جهان‌بینی باشند؛ ثانیاً سرشت چنین علمی باید بازنگری شود و نقص‌های اساسی آن برطرف گردد. این امر به اموری بستگی دارد که در رأس آن‌ها تجدیدنظر در ایده «تقابل علم و دین» است؛ یعنی توجه کند که دین در منظری فراتر از علم می‌نشیند و علم و عقل را در حریم خویش جای می‌دهد. علم عقلی (تجربی و تجربیدی) در درون هندسه معرفت دینی واقع می‌شود و به همراه نقل عهده دار ترسیم محتوای دین می‌گردد. پس اگر تعارضی متصور شود، میان علم و نقل است و هرگز میان علم و دین

تعارضی نیست (بنگرید به: همو، *منزلت عقل*، ...، ۱۴۰).

۳. اصالت قوانین طبیعت و تأثیرگذاری عوامل ناشناخته طبیعی

نگره دیگری که سعی نموده تا در فضای پاسداشت قوانین حاکم بر طبیعت و در راستای قانون علیت به توجیه عاملیت عوامل فرامادی پردازد، نگاهی است که انحصار علت ها را در علت های شناخته شده نفی می نماید و از این راه در صدد است تا برخی از امور همچون دعا و معجزه را از فضای تجربه گرایی و مادی پنداری خارج کند. تحقق این فرایند مرهون قضایایی است که بدان می پردازیم.

۱-۳) اصالت قوانین حاکم بر طبیعت

اصل علیت در تمام آفرینش حکم فرماست و تمام فعل و انفعالات مادی منحصر به علل طبیعی هستند. بر این اساس، انسان با سرشت خدادادی خود برای هر پدیده و حادثه ای علتی را اثبات می کند و به خود حق می دهد که درباره هر حادثه ای که اتفاق می افتد از چرایی آن سوال نماید. تمامی این فرایند از روی اعتقاد به قانون علیت عمومی است که آن هم برآمده از اعتقادی فطری است (بنگرید به: طباطبایی، *اعجاز قرآن کریم*، ۱۱۹). اما باید توجه داشت که علل طبیعی بر دو گونه اند، برخی شناخته و برخی نیز ناشناخته اند. بسیاری از اتفاقاتی که در قالب استجاب دعا رخ می نمایند، قابلیت این را دارند که متکی بر جنبه های ناشناخته همین طبیعت مادی باشند. بر اساس این تقریر و با به رسمیت شناختن علل ناشناخته، خللی به نظام علی و معلولی وارد نمی شود و در این میان کسی نیز نمی تواند ادعا کند که علت هر پدیده ای را می داند، چرا که هنوز انبوهی از علل مادی و طبیعی شناخته نشده وجود دارد که شاید بشر هیچ گاه نتواند به تمام این سؤالات پاسخی قطعی دهد. تنها عالم مطلق است که می تواند مدعی شود علل تمام پدیده ها را می شناسد) استیس، *عرفان و فلسفه*، ۱۳).

۲-۳) اثر گذاری نیروی نفس بر عام هستی

در این راستا برخی از نویسندگان یکی از ناشناخته ترین علل طبیعی را قدرت روح و نفس آدمی دانسته و معتقدند که قدرت برخی از نفوس، بسیار فراتر از قوای طبیعی است و از این طریق سعی در توجیه برخی از امور همانند معجزه و کرامت را دارند (بنگرید به: رودگر،

«کرامات اولیاء»، (۹۵). برخی از آیات (سوره بقره/ ۱۰۲) را نیز می‌توان مؤیدی بر این نگاه دانست که تمامی امور خارق العاده، سحر، معجزه و غیر آن، مانند کرامت‌های اولیاء و سایر خصالی که با ریاضت و مجاهده بدست می‌آید، همه مستند به مبادی نفسانی بوده و از مقتضیاتی ارادی برخوردارند، چنان که کلام خدای تعالی تصریح دارد به اینکه آن مبدئی که در نفوس انبیاء، اولیاء، رسولان خدا و مؤمنین هست، مبدئی است، ما فوق تمامی اسباب ظاهری و غالب بر آن‌ها در همه احوال و آن تصریح اینست که می‌فرماید: «کلمه ما در باره بندگان مرسل ما سبقت یافته، که ایشان، آری تنها ایشان یاری خواهند شد، و به درستی که لشگریان ما تنها غالبند (وَإِنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ الْعَالِيُونَ) (سوره صافات/ ۱۷۳) و یا آیه (خدا چنین نوشته که من و فرستادگانم بطور مسلم غالبیم (كَتَبَ اللَّهُ لَأَعْلَبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ) (مجادله/ ۲۱). از اینجا ممکن است نتیجه گرفت، که مبدء موجود در نفوس انبیاء که همواره از طرف خدا منصور و یاری شده است، امری است غیر طبیعی و ما فوق عالم طبیعت و ماده؛ چون اگر مادی بود مانند همه امور مادی مقدر و محدود بود و در نتیجه در برابر مادی قوی‌تری مقهور و مغلوب می‌شد (بنگرید به: طباطبایی، *المیزان*، ۱/ ۸۰). بنابراین می‌توان گفت که استجابات دعا به نحوی به قدرت روحی دعا کننده بر می‌گردد و هر چه روح وی از قدرت بیشتری برخوردار باشد، میزان تسلط آن بر طبیعت نیز بیشتر خواهد بود. ملاصدرا در تبیین این قابلیت روحی می‌نویسد:

از اینکه برخی نفوس الاهی، دارای چنان قدرتی هستند که گویا نفس مجموعه عالم طبیعت می‌باشند، تعجب مکن. نفوسی که همان‌گونه که بدن از آن‌ها اطاعت می‌کند، عناصر جهان هم مطیع آن‌ها هستند و هر قدر شباهت به مبادی عالی بیشتر شود، نیرو و تصرف در جهان بیشتر می‌شود (ملاصدرا، *الحکمة المتعالیه*، ۶۱۸).

فخررازی نیز به این امر تصریح می‌کند:

انسان دارای دو قوه است: یکی قوه نظری که وقتی به کمال رسید، صور معقولات از عالم مفارق و مجرد بر آن نقش می‌بندد و منشأ غیب آگهی او می‌شود. دیگری قوه عملی است که قدرت تصرف و تأثیرگذاری بر اجسام عالم را پیدا می‌کند و افعال غریب و خارق عادت از او صادر می‌شود (فخررازی، *التفسیر الکبیر*، ۱۲۷/۹).

پس آدمی در توجه و ذکر و دعا به اخلاق ملکوتیان متخلق می‌شود و به اوصاف عقول قادسه متصف می‌گردد که واجد رتبه ولایت تکوینی و صاحب مقام «کن» گشته، و با چنین نفس قدسی، اعتلاء به ملکوت یافته، اقتدار بر تصرف در ماده کائنات می‌یابد و خارق عادت و معجزه و کرامت از او بروز و ظهور می‌کند و همه معجزات و کرامات و خوارق عادات مبتنی بر این اصل می‌باشند؛ بنابراین استجاب دعا امری خلاف سیرت و سنت الهی نیست بلکه یکی از علل و اسباب تحول و تبدل در عالم طبیعت، نفس متصف به صفات ربوبی و متخلق به اخلاق الهی است، که باذن الله در ماده کائنات تصرف می‌کند (آشتیانی، شرح مقدمه قیصری، ۱۰۲-۱۰۴).

۳-۳) بررسی و نقد

اگرچه راه‌حل بیان شده، در ابعاد خویش امری درست و ممکن می‌نماید، اما با توجه به دستور همگانی به دعا و تضمین اجابت آن از سوی خالق هستی (وَ قَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ) (سوره غافر/ ۶۰)، نمی‌توان از آن به‌عنوان راهکاری در ابعاد گستره بهره برد، زیرا همان‌گونه که از تبیین استدلال بیان شده به وضوح قابل دریافت است، رسیدن به چنین قدرت روحی و سپس تأثیر گذاری بر عوالم طبیعت، تنها برای اوحدی از انسان‌ها قابل دستیابی است و دلیل این مدعا نیز تبیین و تحلیل حکیمان است که نگاشته‌اند: «هرگاه نفس قوی و شریف شبیه به مبادی باشد، عنصر این عالم او را اطاعت کند و از وی منفعل شود و آنچه در نفس تصور شده است در این عنصر موجود می‌گردد» (بنگرید به: ساجدی و زارع، «تأثیر دعا در نظام آفرینش»، ۷۸)؛ همان‌گونه که ملاصدرا رسیدن به این مرحله را مقام خلیفه الهی می‌داند (بنگرید به: دولت آبادی و همکاران، «تحلیل فلسفی رابطه قضا و قدر»، ۱۰۴).

۴. اصالت قوانین طبیعت و تأثیر گذاری عوامل فرامادی

نگرشی بر پدیده‌هایی که در عالم هستی رخ داده، گواه آن است که برخی از آن‌ها بدون اسباب عادی و از رهگذر اموری مانند دعا بوده است که تولد حضرت یحیی (ع) از این قبیل است. معجزه نیز شاهد دیگری بر این مدعا است. چنین وقایعی ایجاب می‌نماید که در ارائه راهکار و راه حل دو موضوع مد نظر قرار گیرد: اولاً نیرویی ماورایی در روند امور در جهان

هستی دخالت مستقیم دارد و ثانیاً تحقق این پدیده‌ها در نظام طبیعت و بدون اسباب عادی بوده است که در ادامه به توضیح هر یک از این دو موضوع می‌پردازیم.

۱-۴) اثر گذاری عوامل فراطبیعی

نگرشی بر آیات متعددی از قرآن کریم، حکایت‌گر تأثیر عوامل فراطبیعی و فرامادی در عالم هستی است. آیاتی همچون؛ «و هر کس خدا ترس و پرهیزکار شود خدا راه بیرون شدن (از عهده گناهان و بلا و حوادث سخت عالم) را بر او می‌گشاید و از جایی که حسابش را نمی‌کند، به او روزی می‌رساند و هر کس بر خدا اعتماد کند؛ او برای وی بس است. خدا فرمانش را به انجام‌رساننده است. به راستی خدا برای هر چیزی اندازه‌ای مقرر کرده است (طلاق/ ۲-۳). بخش اول آیه که مطلق و بدون قید است، دلالت دارد بر اینکه هر فردی تقوی‌گزیند و بر خدا توکل کند، خداوند او را کفایت فرماید؛ اگر چه اسباب عادی - از نظر ما - برخلاف آن حکم کند. این مطلب از دیدگاه قرآن قطعی است (طباطبایی، اعجاز قرآن کریم، ۲۸) و مطلق بودن آیات دیگر مانند: «چون بندگان من سراغ مرا از تو گیرند، بدانند که من به آنان نزدیک خواهم بود و هنگامی که دعا کننده ای مرا بخواند، دعایش را اجابت خواهم کرد» (بقره/ ۱۸۶)؛ «... مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم...» (مؤمن/ ۶۰) و نیز «آیا خداوند بنده خود را کفایت نمی‌کند؟!...» (زمر/ ۳۶) بدان قطعیت می‌بخشد.

آیات ذکر شده، صدر سوره طلاق را قطعی و مسلم می‌سازد، علاوه بر آن که ذیل همان آیه صدر خود را تعلیل می‌کند آنجا که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ بِالْعُمْرَةِ» این جمله به ما می‌فهماند که خدای تعالی به طور مطلق کارهای متقین و متوکلین را کفایت می‌کند؛ اگر چه اسباب ظاهری برخلاف آن حکم کند، زیرا پس از این وعده تخلف ناپذیر الهی، توفیقات صاحبان تقوی و توکل، قطعاً کار خود خداست. بنابراین خداوند دستش باز است و هرگز با آفریدن اسباب و مسببات و علل و معلولات - العیاذ باللہ - دست خود را نبسته است. به طور مثال با اینکه او خود خاصیت سوزانیدن را به آتش داده است، ولی هنگامی که بنده‌اش ابراهیم را به وسط آن انداختند می‌تواند این خاصیت را در این مورد به صورت تعلیق یا تعطیل درآورد؛ اگر چه اسباب ظاهری اجازه چنین کاری را ندهد (طباطبایی، اعجاز قرآن کریم، ۲۸).

نمونه بارز دیگری از تأثیر عوامل فراطبیعی در تحقق یک پدیده طبیعی در ضمن داستان

حضرت یحیی (ع) مطرح شده است. بنابر گزارش قرآن کریم حضرت زکریا (ع) از خداوند متعال چنین درخواست نمود: (پروردگارا، از جانب خود، فرزندی پاک و پسندیده به من عطا کن که تو شنونده دعایی) (سوره آل عمران/ ۳۸) که موجب شد خداوند در پیری فرزندی (یحیی (ع)) به ایشان عطا فرماید: (پس در حالی که وی ایستاده [و] در محراب [خود] دعا می کرد، فرشتگان، او را ندا دردادند که خداوند تو را به [ولادت] یحیی - که تصدیق کننده [حقانیت] کلمة الله [=عیسی] است و بزرگوار و خویشتندار [=پرهیزنده از آنان] و پیامبری از شایستگان است - مژده می دهد). بر این اساس، با نگاهی به قرآن کریم این نکته قابل دست یابی است که دعا می تواند مستقلاً سبب اجابت باشد و پدیده ای صرفاً در اثر دعا و بدون اسباب عادی تحقق پیدا کند (مصباح یزدی، بر درگاه دوست، ۲۲).

۲-۴) اصالت قوانین طبیعت

با عنایت به مطالب بیان شده، ظهور عاملیت الهی در عالم هستی امری انکارناپذیر است. اما سوالی که در این میان مطرح می شود چگونگی فرایند اثرگذاری این عامل معنوی در عالمی است که بنای آن بر علیت و قوانین مادی بنیان نهاده شده است. نگرشی بر عبارت پایانی آیه سوم سوره طلاق که می فرماید: «خداوند برای هر چیز اندازه ای مقرر داشته است» بیان گر آن است که روش اثرگذاری اوامر الهی بر ایجاد یک سلسله اسباب و علل است که برای ما شناخته شده نیست و فقط اوست که بر آن ها احاطه علمی دارد و معجزات را از طریق این اسباب ناشناخته، برای ما انجام می دهد، دلیل این امر نیز عمومیت آیه بیان شده است که شامل وقایع خارق العاده می شود. طبق این بیان کارهایی از قبیل سرد شدن آتش بر ابراهیم، اژدها شدن عصا به دست موسی، زنده شدن مردگان به دست عیسی، و... از اموری هستند که خداوند برای آن ها حدود و اندازه و مسیری معین فرموده است، ولی ما با الفبای آن امور آشنا نیستیم (طباطبایی، اعجاز قرآن کریم، ۲۹).

۳-۴) بررسی و نقد

بر اساس آن چه که در دیدگاه تأثیر گذاری عوامل فرامادی بیان شد، باید قائل به یک علت فراطبیعی برای برخی از معلول های طبیعی بود و چنین چیزی عقلاً باطل است، زیرا علت و معلول طبق قاعده مشهور عقلی باید با یکدیگر سنخیت داشته باشند. اصل سنخیت علت و

معلول ایجاب می‌کند که برای معلول‌های طبیعی، قائل به عللی طبیعی باشیم و صدور هر معلولی را نمی‌توان به هر علتی منتسب نمود. چنین چیزی عقلاً غیر قابل قبول بوده، موجب هرج و مرج شده، نتیجه آن می‌شود که می‌توان هر پدیده‌ای را به هر چیز موهوم، ناشناخته و ناهمگون با آن پدیده نسبت داد (بنگرید به: رودگر، «کرامات اولیاء»، ۹۹).

در پاسخ به این اشکال می‌توان چنین گفت که تعیین قطعی کیفیت سنخیت بین علت و معلول خاص، از طریق روش‌های علمی میسر نیست. بر اساس روش علمی اگر بتوانیم تمامی ساز و کارهای طبیعت را حقیقتاً به دست آوریم، این احتمال را نمی‌توانیم طرد کنیم که اگر عامل فراطبیعی بیرون از این دستگاه، با یکی از مکانیسم‌های درونی آن، ارتباطی که چگونگی آن برای ما نامعلوم است، پیدا کند و آن را تحت تصرف خود در آورد، آثاری عجیب پدیدار خواهد شد، بدون اینکه اصل سنخیت نقض شود (بوذری، «تبیین فلسفی معجزه و کرامت»، ۱۰۹).

در این میان طباطبایی نیز بر این عقیده است که معقول نیست، معلولی طبیعی علت طبیعی نداشته باشد؛ لذا اگر از طریق معجزه درخت خشکی سبز و بارور شد، از آن جهت که موجودی طبیعی است، باید علتی طبیعی داشته باشد، چه ما آن علت را بشناسیم و چه نشناسیم. وی با استفاده از آیه ۳ سوره طلاق (و او را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد؛ و هر کس بر خدا توکل کند، کفایت امرش را می‌کند؛ خداوند فرمان خود را به انجام می‌رساند؛ و خدا برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است!) می‌فرماید: امور خارق العاده چه در ناحیه شرور، مانند سحر و کهنات و چه در ناحیه خیرات، مانند استجابات دعا و امثال آن و چه معجزات، مستند به اسباب طبیعی عادی نیستند، بلکه مستند به اسباب طبیعی غیر عادی اند؛ یعنی اسبابی که برای عموم قابل لمس نیست و آن اسباب طبیعی غیر عادی نیز مقارن با سبب حقیقی و باطنی و در آخر مستند به اذن و اراده خدا هستند و تفاوتی که میان سحر و کهنات از یک طرف و استجابات دعا و کرامات اولیا و معجزات انبیا از طرفی دیگر هست، این است که در اولی اسباب مغلوب می‌شوند؛ ولی در دو قسم اخیر نمی‌شوند (بنگرید به: طباطبایی، *المیزان*، ج ۱/ ۷۹-۸۳).

توضیح بیشتر آن که ارتباط میان پدیده‌ها به چند شکل قابل تصویر است؛ گاهی چند

علت، اجزای علت تامه‌اند، یعنی هنگامی که باهم اجتماع کنند، آن پدیده تحقق می‌یابد و در صورت نبود یکی از آن‌ها، پدیده تحقق نمی‌یابد. گاهی استناد یک پدیده به دو عامل، به صورت جانشینی است؛ یعنی یا این عامل باید اثر کند یا آن عامل؛ اگر یکی اثر کند، دیگری اثر نمی‌کند. در برخی حالات نیز اثرگذاری دو عامل در طول یک دیگر است؛ یعنی دو عامل در دو سطح مختلف تأثیر می‌کنند؛ بدین شکل که یکی بر دیگری اثر می‌گذارد و آن دومی، واسطه می‌شود تا اثر عامل اول را به شکلی خاص به معلول منتقل کند. این‌گونه تأثیر در امور ماورای طبیعی وجود دارد؛ یعنی تأثیر فاعل ماورای طبیعی، در عرض فاعل طبیعی نیست؛ بلکه تأثیری در طول آن است (مصباح یزدی، معارف قرآن، ۱۳۸)؛ بدین ترتیب که فاعل ماورایی، فاعل طبیعی را ایجاد می‌کند و آن را برای ایجاد پدیده طبیعی دیگر به کار می‌گیرد؛ بنابراین، نسبت پدیده به هر دو، به صورت حقیقی درست است. با ملاحظه مطالب بیان شده، کلید حل مسئله استناد یک پدیده به خدا و سایر عوامل طبیعی و ماورایی، به این است که رابطه خدا با این عوامل، به صورت طولی دیده شود و تأثیر اراده او را در سطحی فراتر از سطح تأثیر عوامل مادی و غیرمادی دانسته شود. باید توجه داشت که هر سببی در این عالم، آفریده خداست و خداوند آن را برای تحقق امر دیگری، سبب قرار داده و در هر حال، اصل هستی و تأثیر آن، لحظه به لحظه به وجود خدا و اراده او وابسته است (مصباح یزدی، خداشناسی، ۳۳۸).

نتیجه آن که سبب قریب امر مادی، مادی است و لو اینکه سبب بعید آن غیر مادی باشد؛ زیرا ممکن نیست موجود مادی بدون سبب مادی پدید آید. از این رو سببیت اسباب معنوی در دفع و رفع بلاها نیز با استخدام علل و عوامل طبیعی است. تحلیل ارائه شده ناظر به طول انگاری، سلطه اسباب معنوی و تأثیر از طریق علل طبیعی به تصویر کشیده شده است (بنگرید به: ترخان، «تأثیر علل و عوامل فرامادی...»، ۵۷). به دیگر سخن، اسباب معنوی بر اسباب مادی حکومت دارند؛ یعنی به عنوان عامل قاهر، بر علل مادی سلطه داشته و می‌توانند جریان عالم را عوض کنند؛ اگر چه بر اساس اصل سنخیت، تأثیر اسباب معنوی بر عالم طبیعت از طریق استخدام علل طبیعی می‌باشد («همان»، ۶۰). بنابراین با قانون علیت، علیت امور غیر طبیعی برای امور طبیعی انکار نمی‌شود. هیچ علمی نمی‌تواند تأثیر یک امر غیر طبیعی در پیدایش یک امر طبیعی را نفی کند، بلکه حتی چنین تأثیراتی را اثبات نیز می‌نماید.

نتیجه

اعتقاد به عوامل فرامادی و اثرگذاری آن از جایگاه بنیادینی در اعتقادات دینی برخوردار است که در زمینه‌هایی همچون دعا و معجزه تبلور یافته است. آنچه در این میان با چالشی اساسی از سوی اندیشمندان اسلامی و غربی مواجه شده است، چگونگی تحلیل فرایند اثرگذاری عوامل فرامادی با توجه به فرایند جاری در طبیعت و قوانین علیت است. در این نوشتار از ساحت‌های مختلفی به مسئله پرداخته شد و آراء اندیشمندان متعددی نیز مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. نتیجه این واکاوی آن که از منظر آیات قرآن کریم عاملیت الهی به عنوان عاملی فرامادی در زندگی انسان حضوری پررنگ دارد. همان گونه که یکی از اصول و سنت‌های الهی در تدبیر جهان جریان؛ اتکای بر نظام علیت و سببیت است که براساس آن هر گونه تأثیر، فعل و انفعالی در عالم مادی می‌بایست با علیت و سببیت مادی انجام گیرد، بنابراین نادیده گرفتن و اعتقاد به نقض این اصل بنیادین، دیدگاهی نادرست است. با در نظر گرفتن موارد بیان شده، اسباب فراطبیعی و معنوی با سلطه و حکومت بر اسباب طبیعی و از طریق استخدام آن‌ها می‌توانند جریان عالم را رقم بزنند و باعث تحقق پدیده‌هایی گردند.

منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- احمدی، محمد امین، «معجزه»، *نقد و نظر*، سال ۱۱، شماره ۴۳-۴۴، مهر ۱۳۸۵ ش.
- ۳- استیس، والتر ترنس، *عرفان و فلسفه*، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران، سروش، ۱۳۶۷ ش.
- ۴- ایچی، میر سید شریف، *شرح مواقف*، شرح سید شریف علی جرجانی، قاهره، مطبعة السعادة، ۱۳۲۵ ق.
- ۵- آشتیانی، سیدجلال‌الدین، *شرح مقدمه قیصری*، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۷۲ ش.
- ۶- بزرگر تیریزی، فائزه و دیباجی، سید محمدعلی، «ملاحظات انتقادی بر دیدگاه پوکینگ‌هورن: نابسندگی قواعد فیزیک نامتعیین‌ها برای تبیین عاملیت الهی»، *اندیشه فلسفی*، دوره ۱، شماره ۳، ۱۴۰۰ ش.
- ۷- بوذری نژاد، یحیی، «تبیین فلسفی معجزه و کرامت از دیدگاه سهروردی»، آینه معرفت. دوره ۱۱، شماره ۴، شماره پیاپی ۴، ۱۳۹۰ ش.
- ۸- ترخان، قاسم، «تأثیر علل و عوامل فرامادی در بلاای طبیعی»، *مجله قیسات*. دوره ۲۵، شماره ۹۶ - شماره پیاپی ۹۶، سال بیست و پنجم، ۱۳۹۹ ش.
- ۹- تفتازانی، سعدالدین، *شرح المقاصد*، به کوشش عبدالرحمان عمیره، قم، انتشارات شریف رضی. ۱۳۷۰ ش.
- ۱۰- ثبوت، علی اکبر، «نگاهی به تفسیر سرسید احمد خان»، *نامه فرهنگ*، شماره ۹، ۱۳۷۲ ش.
- ۱۱- جراحی، ام‌هانی و کشفی، عبدالرسول، «تأثیر دعا بر جهان قانونمند از دیدگاه استاد مطهری و النور استامپ»، *پژوهشنامه فلسفه دین*. سال چهارم، شماره ۱، پیاپی ۲۷، ۱۳۹۵ ش.
- ۱۲- جعفریان، رسول، *نزاع سنت و تجدید: مناسبات فکری استاد مطهری و دکتر شریعتی*، قم، رنوف، ۱۳۸۱ ش.
- ۱۳- جوادی آملی، عبدالله، *ادب فنای مقرران*، به کوشش محمد صفایی، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۸ ش.

- ۱۴- جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۴۰۰ش.
- ۱۵- جوادی آملی، عبدالله، شرح حکمت متعالیه، انتشارات الزهراء، ۱۳۷۲ش.
- ۱۶- جوادی آملی، عبدالله، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۶ش.
- ۱۷- خاک پور، حسین، «بررسی دیدگاه سید احمدخان هندی درباره ی وحی»، مطالعات شبه قاره، دوره ۵، شماره ۱۷ - شماره پیاپی ۱۷ سال پنجم، شماره هفدهم، زمستان اسفند، ۱۳۹۲ش.
- ۱۸- خرمشاهی، بهاء الدین، تفسیر و تفاسیر جدید، تهران، چاپ کیهان، ۱۳۶۴ش.
- ۱۹- دانشیار، علی رضا، جریان شناسی تفاسیر و برداشت‌های سیاسی از قرآن کریم در انقلاب اسلامی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۰ش.
- ۲۰- دولت آبادی، مروه و عین الله خادمی، «تحلیل فلسفی رابطه قضا و قدر با مسأله استجابات دعا از نظر ملاصدرا»، پژوهش‌های فلسفی، دوره ۱۲، شماره ۲۵، بهمن ۱۳۹۷ش.
- ۲۱- رأفتی، فاطمه و ابراهیمی، حسن، «رابطه استجابات دعا و معجزه با نظام علیت از نظر شارحان حکمت متعالیه»، جستارهای فلسفی، سال دهم، شماره ۲۵، ۱۳۹۳ش.
- ۲۲- رودگر، محمد، «کرامات اولیا؛ دلایل اثبات: عقل، نقل و اجماع»، پژوهشنامه عرفان، دوره ۱۲، شماره ۲۳ - شماره بیست و سوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۹ش.
- ۲۳- ژاکار، آلبر و ژاک لاکاریر، علم و اعتقاد، ترجمه عباس باقری، تهران، نشر نی، ۱۳۸۰ش.
- ۲۴- ساجدی، علی محمد و زارع، فاطمه، «تأثیر دعا در نظام آفرینش از منظر سه فیلسوف: ابن سینا و ملاصدرا و طباطبایی»، اندیشه دینی، دوره ۱۴، شماره ۴، ۱۳۹۳ش.
- ۲۵- سبحانی، جعفر، الفكر الخالد فی بیان العقائد، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۲۵ق.
- ۲۶- شیخ طوسی، محمد بن حسن، التبیان، به کوشش احمد حبیب قصیر عاملی، نجف، دار احیاء التراث، ۱۳۸۳ق/۱۹۶۴م.
- ۲۷- طباطبایی، سیدمحمدحسین، اعجاز قرآن کریم، قم، بنیاد علمی و فکری طباطبایی، ۱۳۶۲ش.

- ۲۸- طباطبایی، سیدمحمدحسین، *المیزان*، بیروت، اعلامی، ۱۳۹۳ش؛ همان، ترجمه فارسی سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۷۸ش.
- ۲۹- طباطبایی، سیدمحمدحسین، تعلیفه بر *اسفار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱م.
- ۳۰- طباطبایی، سیدمحمدحسین، *مجموعه رسائل*، سیدهادی خسروشاهی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۷ش.
- ۳۱- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان*، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
- ۳۲- فخر رازی، محمد، *التفسیر الکبیر*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
- ۳۳- کرمی، محمد و عبدالحمید، رحمانی، «عوامل و موانع سلامت معنوی از منظر علامه جوادی آملی»، سال ۱۰، شماره ۱، شماره پیاپی ۱۸ شهریور، ۱۳۹۹ش.
- ۳۴- کیویت، دان، *دریای ایمان*، ترجمه حسن کامشاد، تهران، طرح نو، ۱۳۷۶ش.
- ۳۵- مصباح یزدی، محمدتقی، *آموزش فلسفه*، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، تهران، ۱۳۹۴ش.
- ۳۶- مصباح یزدی، محمدتقی، *بر درگاه دوست شرح فرازهایی از دعاهای افتتاح*، ابوحمزه و مکارم الاخلاق، به کوشش عباس قاسمیان، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲ش.
- ۳۷- مصباح یزدی، محمدتقی، *خدشناسی*، به کوشش امیررضا اشرفی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۹ش.
- ۳۸- مصباح یزدی، محمدتقی، *معارف قرآن ۶: قرآن شناسی*، قم، ناشر انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۱ش.
- ۳۹- مصباح یزدی، محمدتقی، *معارف قرآن: خدشناسی، کیهان شناسی، انسان شناسی*، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۱ش.
- ۴۰- مطهری، مرتضی، *انسان و سرنوشت*، قم، صدرا.
- ۴۱- مطهری، مرتضی، *عدل الهی*، مجموعه آثار شهید مطهری، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۱ش.
- ۴۲- مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، قم، صدرا، ۱۴۲۰ق.
- ۴۳- ملاصدرا، محمد بن ابراهیم، *الحکمة المتعالیه*، به کوشش احمد احمدی، تهران، بنیاد

- حکمت سبزواری، ۱۳۸۱ش.
- ۴۴- ملاصدرا، محمد بن ابراهیم، *المبدأ و المعاد*، بیروت، دارالهادی، ۱۴۲۰ق.
- ۴۵- میمنه، حیدر علی، «معجزه در نگاه متکلمان مسلمان و یهود»، *آئینه معرفت*، دوره ۸، شماره ۲، شماره پیاپی ۲، ۱۳۸۷ش.
- ۴۶- نجفی، روح‌الله، «رقیب انگاری خدا و طبیعت در آراء تفسیری فخر رازی»، *آئینه معرفت*، دوره ۱۹، شماره ۲، شماره پیاپی ۲ تیر ۱۳۹۸ش.
- ۴۷- نصیرالدین طوسی، *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، تصحیح حسن حسن زاده آملی، قم، نشر الاسلامی، ۱۴۰۷ق.
- ۴۸- هاسکر، ویلیام و دیگران، *عقل و اعتقاد دینی: درآمدی بر فلسفه دین*، ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، طرح نو، ۱۳۹۰ش.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Bibliography

- 1_ Holy *Qur'ān*.
- 2_ Aḥmadī, Moḥammad Amīn, Miracle, *Naghd wa Naẓar*, Volume 11, 43-44, February 2006.
- 3_ Āshtiyānī, Sayyid Jalāl al-Dīn, *Sharḥ Mughbaddami Ghibṣarī*, Qom, Society of Seminary Teachers of Qom, 1372 SAH.
- 4_ Barzegar Tabrīzī, Fa'eze and Dībājī, Sayyed Moḥammad 'Alī, "A Critical Look on Polkinghorne's Point of View; Insufficiency of Uncertainty Principles in Physics to Explain Divine Agency", *Philosophical Thought*, Volume 1, Issue 3, 2021.
- 5_ Būzarīnizhād, Yaḥyā, "Philosophical explanation of miracles and non-prophetical miracles from the perspective of Sohrawardī", *Mirror of knowledge*, Volume 11, Issue 4, Serial Number 4, 1390 SAH.
- 6_ Cupitt, Don, *The Sea of Faith*, Persian translation by Ḥasan Kāmshād, Tehran, Tarḥe Nu, 1376 SAH.
- 7_ Dāneshyār, 'AlīRīdā, "A Study of the Schools of Political Interpretations and Comprehensions of Quran in Islamic Revolution", *Journal of Islamic Revolution Studies*, 1400 SAH.
- 8_ Fakhr Rāzī, Abu'Abdollāh, *Mafātīḥ Al-Ghayb*, Beirūt, Dār Iḥyā al-Turāth al-'Arabi, 1420 AH.
- 9_ Hamedānī, Qom, Society of Seminary Teachers of Qom, 1378 SAH.
- 10_ Hasker, William and others, *Reason and religious belief : an introduction to the philosophy of religion*, persian translation by Aḥmad Narāqī and Ebrāhīm Sultānī, Tarḥ-e NoE, 1390 SAH.
- 11_ Ījī, Mīrsiyid Sharīf, *Sharḥ al-Mawāghīf*, Sharḥ Seyyed Sharīf 'Alī Jurjānī, Cairo, Maṭba'a Al-Sa'āda, 1325AH.
- 12_ Jacquard, Albert and Lacarrier, Jacques, *Science et croyances (Science and Tenet)*, Percian translation by 'Abbās Bāqerī, Tehran, Nashreney, 1380 SAH.
- 13_ Ja'farīyān, Rasūl, *The Struggle between Tradition and Modernity*, Qom, Rauf, 1381 SAH.
- 14_ Jarrāhī, Umme Hānī and Kashafī, 'Abdulasūl, "The Impact of Prayer on the Orderly Cosmos: A Comparative study of Mortaza Mutahhari and

- Eleonore Stump”, *Philosophy of Religion Research* (Name Hekmat), Volume 14, Issue 1, 1395 SAH.
- 15- Jawādī Āmulī, Abdullāh, *Adab-e Fanāy-e Moqarrabān*, ed. Muḥammad Şafāyī, Qom, nashresra, 1388 SAH.
 - 16- Jawādī Āmulī, Abdullāh, *Description of Transcendental Wisdom*, Al-Zahrā Publication, 1372 SAH.
 - 17- Jawādī Āmulī, Abdullāh, *Tasnīm*, Qom, nashresra, 1400 SAH.
 - 18- Jawādī Āmulī, Abdullāh, *The Role of the Intellect in the Geometry of Religious Knowledge*, Qom, nashresra, 1386 SAH.
 - 19- Karamī, Moḥammad and ‘Abdolḥamīd Raḥmānī, “Factors and Barriers to Spiritual Health from the Viewpoint of Allameh Javadi Amoli”, *Revelation Ethics*, Volume 10, Issue 1, Serial Number 18, September, 1399 SAH.
 - 20- Khākpūr, Ḥosein, “Considering Sayyed Ahmad Khan Hendy's Point of View about Revelation,” *Journal of Subcontinent Researches*, Volume 5, Issue 17, Serial Number 17, March 2014.
 - 21- Khorramshāhī, Bahā’ al-Dīn, *Interpretation and Modern Interpretations*, Tehran, Keyhan, 1364 SAH.
 - 22- Marvī, Dolatābādī and ‘Eynollāh Khādemī, “Philosophical Analysis of the Relationship of Destiny and Providence (Decretum Dei) with the Issue of Acceptance of Prayer according to Mollā Şadra”, *Journal of Philosophical Investigations*, Volume 12, Issue 25, Serial Number 25, February 2019.
 - 23- Maymane, Ḥeidar Ali, “Miracle in the View of Muslim and Jewish Theologians”, *Ayene Ma’rifat*, Volume 8, Issue 2, Serial Number 2, 1387 SAH.
 - 24- Mişbāḥ Yazdī, Moḥammad Taqī, *Bar Dargāhi Dūst Sharḥi Farāzbāyī az Du ‘āyi Iftitāḥ, AbūḤamzi wa Makārim Al-Akblāgh*, ed. ‘Abbās Qāsimīyān, Qom, Publication of Imam Khomeini Education and Research Institute (RA), 1382 SAH.
 - 25- Mişbāḥ Yazdī, Moḥammad Taqī, *Ma’ārif Qur’an 6: Qur’an Shbināsī*, Qom, Publication of Imam Khomeini Education and Research Institute (RA), 1391 SAH.
 - 26- Mişbāḥ Yazdī, Moḥammad Taqī, *Ma’ārif Qur’an: Kbudāshbināsī, Keybān*

- Shināsī, Insān Shināsī*, Qom, Publication of Imam Khomeini Education and Research Institute (RA), 1391 SAH.
- 27_ Mişbāḥ Yazdī, Muḥammad Taqī, *Āmūzesb Falsafī (Teaching of Philosophy)*, Tehran, Imam Khomeinī Publication, 1394 SAH.
- 28_ Mişbāḥ Yazdī, Muḥammad Taqī, *Kbudā Sināsī*, ed. Amīr Rizā Ashrafi, Qom, Publication of Imam Khomeini Education and Research Institute (RA), 1389 SAH.
- 29_ Moṭahharī, Morteḍā, *Insān wa Sarniwisbt (Man and Fate)*, Qom, Şadrā, no date.
- 30_ Muṭaharī, Morteḍā, *ʿAdl Ilābī (Divine Justice)*, Collection of works of Shahīd Moṭahharī, Qom, Şadrā, 1371 SAH.
- 31_ Muṭaharī, Morteḍā, *Collection of works*, Qom, Şadrā, 1420 AH.
- 32_ Najafī, Rūḥullā, “Rivalry of God and Nature in Fakhr Razi’s Interpretive Views”, *Ayene Maʿrifat*, Volume 19, Issue2, Serial Number2, January, 1398 SAH.
- 33_ Raʿfatī, Faṭīmi and Ibrāhīmī, Ḥasan, “Relationship between Granting of Prayer and Miracle and Causality System from the Viewpoint of Interpreters of Transcendent Theosophy”, *Analytic Philosophy*, Volume 11, Issue 15, Serial Number 25, September 2014.
- 34_ Rūdgār, Moḥammad, “Non-prophetical Miracles of God’s Saints, Reasons to Prove: Wisdom, Quotation and Unanimity”, *Erfān*, Volume 12, Issue 23, 1399 SAH.
- 35_ Şadr al-Dīn al-Shīrāzī, Moḥammad b. Ibrāhīm, *Al-Ḥikmat Al-Mutaʿaliya fi Al-Asfār Al-ʿAqliya Al-Arbaʿa*, ed. Aḥmad Aḥmadī, Tehran, Ḥikmat Sabziwārī Foundation, 1381 SAH.
- 36_ Sājedī, ʿAlī Moḥammad and Zāriʿ, Faṭeme, “The Impact of Prayer on the System of Creation from the Perspective of Three Philosophers (Ibn Sina, Mulla Sadra, and Tabatabai)”, *Journal of Religious Thought*, Volume 14, No 4, Winter 2015.
- 37_ Sobḥānī, Jaʿfar, *Al-Fīkr Al-Kbālīd fi Bayān Al-ʿAqāʿid*, Qom, Imam Şādeq, 1425 AH.
- 38_ Stace, Walter, Trance, *Mysticism and Philosophy*, persian translation by Bahāʿuddīn Khorramshāhī, Tehran, Soroush, 1368 SAH.

- 39- Ṭabāṭabāyī, Moḥammad Ḥoseyn, *Al-Ḥikmat Al-Muta'aliya fi Al-Asfār Al-'Aqliya Al-Arba'a*, Beirut, Dār Iḥyā al-Turāth al-'Arabi, 1981.
- 40- Ṭabāṭabāyī, Moḥammad Ḥoseyn, *Majmū'i Rasā'il*, Sayyed Hadī Khosroshāhī, Qom, Būstān Ketāb, 1378 SAH.
- 41- Ṭabāṭabāyī, Muḥammad Ḥusiyūn, *Al-Mizan fi Tafsi'r Al-Qur'an*, Beirut, A'lamī lil Maṭbū'āt, 1393 SAH.
- 42- Ṭabāṭabāyī, Muḥammad Ḥusiyūn, *Miracles of Holy Qurān*, Qom, Scientific and Intellectual Foundation of Ṭabāṭabāyī, 1362 SAH.
- 43- Ṭabraṣī, Faḍl b. Ḥasan, *Majma' Al-Bayān*, Tehran, Naṣer Khosro, 1372 SAH.
- 44- Taftāzānī, Sa'd al-Dīn, *Sbarḥ al-Maqāsid*, ed. 'Abdulrahmān 'Umayra, Qom, Sharīf Raḍī, 1370 SAH.
- 45- Tarkhān, Qāsim, "The role and effect of metamaterial causes and factors in natural disasters", *Qabasat*, Volume 25, Issue 96, Serial Number 96, 1399 SAH.
- 46- Thobūt, 'Alī Akbar, "A View to Sayyed AḥmadKhān", *Namiyi Farhang*, Issue 9, 1372 SAH.
- 47- Ṭūsī, Khāje Naṣīr al-Dīn, *Kashf Al-Murād fi Sbarḥ Tajrīd Al-I'tiqād*, ed. Ḥasan Ḥasanzāde Āmolī, Qom, Nashr Al-Islāmī, 1407AH.
- 48- Ṭūsī, Moḥammad b. Ḥasan, *al-Tebyān*, Beirut, Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī, 1383 SAH.